

## هیتلر چہ کفت؟

ادوارد ہریو

واره روی از آنکه، کشور  
فرانس از طرف معاہدین آلان برو  
سپه اند زپس مجلس ملی آنکشود  
و ده مدن مجلس که روایت خوب  
هزاران آزادی را درینه شد ناست  
آدم و همان کامکه از ساختگان قرارداد  
سر درش پرچم ساختگان قرارداد  
و چندی پیش اخیرین بر تولدیه از ایشان  
را دریست از های تلفو پایانه از ایشان

عطفی  
آن مدن شخوص رو که چندوور  
پیش از ناشن مدل (ایون و بونو)  
استفاده و طبق آن و دلکه کوکوت  
بوقاچ و شنی بمنان و سر ازات  
فراسوی که در زمین شروعی مکتبت  
تمدن اهل مدن ای افرا (گرد و سوس)  
بله ای ایان گفت و گفت و المان  
کوکوهده نهاد و گرد و بیوی حاطر شان  
سانت که توانی هر اس دوباره جستخت  
قرآن دامخوا روی سو اکلیل صفات

جوهه  
این شخص در منطقه ای اند شده  
فرانز میرست و آن دست از دست زدن و زور و  
علیه فاشنیسمها امدو و سان (۱) با خلش  
بر سرمهادشت و خطا بش از زیر دو پهان  
ماش سان فرانز فرو زید کرد  
هم موافق آلسان بسته داشت  
کشور احاج جایزه شکوه وی و  
بیگ کشان خود را و یک کنک ملته بیان  
بارشتمی این متفق هناروا را آن داشت  
که اندیش قلی خود را از میان ملت  
ست کشیده دور سازد  
این (روش سلطنتی را «مورو»  
در گذشت خود (۲) (آلان) اطریش  
پس نکار بردا و سران آزاد خود را  
ناکش و پایه زدی بود ایکت  
طرمه ایان همان شخص ایکون در شهر  
هز و دعات آلسان ای ایا ایا و ایج ای  
منظمه روزانه اقام مانند ای ای  
با این معن سرو کاری است و سیمه

چهارمین هنرمند ایرانی پرداخت  
هر چند مکتب بر اعلیه عالیست (فقط) جو که  
نحو و بیان و جعل اگذب و نثر  
اصطلاح بیان ملت و ارشاد می  
فرار نداشته بودم بلطفی بود که  
هیئت برای همه مدارس تأسیس شده بود  
اما من ممکن شد امروز و آینه ام را  
سب سب شرایط موقت اگرچه بسیار ساده  
نمایم و سه بخش از ادامه دادم  
اول بخش اینکه میتوان از همه هست  
هموچو نویس و میسر است از این و جاییست  
نمایشی که می خواهد دارد که  
لذت فریدن مادر گزینه  
های جذک ناید و مشتود نداشته باشد  
لذت فریدن نیزیم که بگذران در  
لذت جذبه و لذع و نثر اگذب  
پیش از هر چیزی  
هیئت سازمان هی اعظم آذان  
سطراحتان و اینکه این راه را

و ۱۱) هنریک کشت که هنریک را بهم برداشت  
تراب درباره حملات یاری و ناسانی «  
لرگز سقوط شهر ویران شد این کار آغاز  
لادن لذتی بدهن شکری آپانیتو و  
شمه دوی الیم ابراهیم خان دلوکی از روایی از دهانی  
آتشوار دست کنه مائشین بدند که باشد داست  
حتما که هفت هنری در آن سال شر  
استانی که از هنری که از هنری  
استانی که از هنری که از هنری

سلسله ساخت  
و فقط معمطور  
و نامیدي ملت  
ای ايراد نموده  
شکن درست  
جن اکبر (۱)  
من دارم  
اسه که بگز خست رویه  
پاک شور چارت هزار و پیه  
سازه ای پیه و زر زرک  
تغذیه بلده و آشورهای شرق  
سوزد امروره در مقابله از اینه  
مشتمل بر جوانه های سفید و سبز  
مشتمل بر جوانه های سفید و سبز

دو اطراف این جمله  
بروگیر کنی تجربی است که دارد  
فرموده شد که راه مددکان هم  
آشپز کرده باشد اما سایر  
معجزاتی هم پس از گذشت  
ام و زنی غیر قابل معجزه  
فنا بوجه هشت دل

گفت و فرمی

روزنامه فروشان

چهار شی  
دستگاه وحشت و  
ملوک گیری از اصل  
السان بحق ماوس  
ماوساوه! زرمه  
یکشان بش بحق  
خوندا چین آغاز  
.....

ساخت پیش افتد  
امت که در آن آن  
و بالای ریشه داشتم  
ارزایی در خواهد  
در آن سو فرم که  
بر این می بدم ممکن است  
سوچ و غلبه عزت خود  
با آنکه از اینجا با

الدكتور

و<sup>و</sup>شیوهای از جای خود را درست و مخصوص دوز ریختنی همراهی کرد.  
گفته که آن چه ایزدان هن مان نهاده ای شده و مخصوص می کند -  
باشد یک کوش که تراکم که آین مخصوص است می کند و روزنه ای از آن  
ت - وظیه یک کوش را که آزاد می کند مخصوص در عرض های محدود  
نمی باشد - در این مخصوص که در مکان یکسان گذشت - دوز نهاده ای  
نمی باشد از های دو خشک طور گیری می کند - هنر شاید خود را چنانی می  
کند و روزنه ای ان الوقت - جزو موادر - از پنهانی و یکروزه ای از خود را می  
نمی تاخت و مخصوص دارد که آهن بدم دوز نهاده ای از همچنان است و آن ایست  
و مخصوصی که توی و سرمه ای می گذارد کلکن ای از این مخصوص - در این مخصوص  
نمی باشد از آن که آن را درست - درین مخصوص بدوسته روزنه ای از خود  
نمی باشد و در گذشته ای کلک و از هر و جمال - هنر کاملاً مخصوصی و به این جزو موادر  
رسد - پیوه های وع دشواری را بنم خود ساخت - این دفعه و نهاده ای بر این  
کلک و قواقت در یکدیش بخواهد و از همان در درود - همان اسیدانه و از اینجا بر این  
نهاده ای شده بخواهد و شرسد - چشم خود نهاده هسته جطور خودش  
دشکان و دشکانی ای از این مخصوصی ای از این مخصوصی هسته جطور خودش  
دشکان و دشکانی ای از این مخصوصی هسته جطور خودش  
رورا نهاده میگذرد و همروزه مایوس شود - درین یک مخصوصی  
جهات همراهی - برتری و نهاده ای از این مخصوصی هسته جطور ای از این مخصوصی  
آفرود و در گذشته ای از این مخصوصی هسته پیشترین اینست - این نهاده هسته  
که تاحدی همراه همراه کوچه ای از آن بخواهد خود و بری در این مخصوصی  
نمی باشد - قدرهای دیگر درست آپارست - اگر این صفت را این ایست  
تلن گیریم آپار آنها که کلاه مبلغ خطر نهاده ای و آن های باید داشت  
نهاده که آین اخیرن مبلغ خود را از این مخصوصی نهاده - هم ای ایکلر - یک  
نهاده و نهاده ای از این مخصوصی که مبلغ خود را و نهاده ای دشکان شود زیرا درین مخصوصی ای  
نمی باشد ای از اینجا بر این ایست را بخواهد - اینست وظیه ای از این  
نهاده های آپارهای ای از اینجا بر این ایست را بخواهد -



Digitized by srujanika@gmail.com

أفای شیخ الاسلام  
دروی نماشل محقق

امانه‌های شورای عوام  
برنامه‌های از اینجا راه آمد  
لیگیت حراست فرموده بود  
امان و لذکر هم نمایند  
گل‌طراف امنیت شعوری





